

مقاله پژوهشی

تحلیل شاخصه‌های آذین‌عمارت زلیخا و معمار آن براساس منظومه یوسف و زلیخای جامی

جواد آقاجانی کشتلی^{۱*}، سمیه امیدواری^۲

۱. استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران.

۲. دانشیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

چکیده

در متون و منابع کهن منظوم و منثور فارسی اشاراتی هرچند کم به مباحث هنر و زیبایی شده است. برخی از توصیفات بیان‌شده در این منابع می‌تواند مخاطب را با اصول و معیارهای زیبایی و مبانی هنر ایرانی آشنا کند. در توصیف برخی شاعران از بناها و آثار معماری نیز اصول و مبانی آذین‌بندی و تزیینات بنا به نحو مشخصی دیده می‌شود. یکی از این شاعران جامی است که در منظومه یوسف و زلیخا به توصیف عمارت ساخته‌شده توسط زلیخا و دایه‌اش و سفارش آن به معماری هنرپیشه اشاراتی کرده است. این مقاله با هدف بررسی ویژگی‌ها و توصیفات شاعر از این عمارت و با سؤال شاخصه‌های آذین‌بندی عمارت زلیخا براساس منظومه یوسف و زلیخا کدامند؟ نوشته شده است. روش انجام این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و ابزار آن شناسه‌برداری است. جامعه هدف پژوهش، ادبیات مربوط به منظومه یوسف و زلیخا و روش نمونه‌گیری نیز هدف‌مند است. تجزیه و تحلیل به‌صورت تحلیل محتوای کیفی است. نتایج حاصل نشان داده است که این عمارت با هدف ایجاد اشتیاق در یوسف برای وصال زلیخا ساخته شده است. بنابراین تزیین غالب از جنس نقاشی و نگارگری و هم‌آغوشی این دو نفر است. در کنار نقاشی از احجام جانوری، گیاهی و پرندگان با مصالحی مانند طلا، نقره و سنگ‌های گران‌قیمت استفاده شده است. صیقل کردن دیوارها، سقف، راهروها و هفت اتاق تودرتو برای انعکاس تصاویر و افزایش جلب توجه یوسف بوده است. استفاده از مصالح ارزشمند، این عمارت را در اندازه قصری با شکوه نمایان ساخته است.

واژگان کلیدی: عمارت زلیخا، آذین‌بنا، یوسف و زلیخا، جامی.

مقدمه

توجه ویژه دارد. او در بخش‌هایی از منظومه یوسف و زلیخا به دنبال توصیف زیبا، جذاب و جزءبه‌جزء داستان یوسف پیامبر گریزی به ویژگی‌های زیبایی‌شناسی و حکمی هنر و معماری زده است. جامی در حکایت «عمارت کردن دایه‌خانه‌ای که در وی تصویر یوسف علیه‌السلام و زلیخا کنند» مؤلفه‌های عمارت، سازنده آن و نقش‌های پرداخته‌شده در آن را به زیبایی توصیف می‌کند. درباره اهمیت و ضرورت انجام پژوهش می‌توان این‌گونه نوشت، به دلیل این که بیشتر مباحث مرتبط با هنر، نقد هنری و مبانی زیبایی‌شناسی در متون غیرایرانی وجود دارد و یا به عبارت بهتر توسط اندیشمندان و متفکران غربی سامان‌دهی و گردآوری شده است، این پژوهش می‌تواند براساس یک متن ایرانی و فارسی داده‌هایی را درباره هنر و نقد هنری تدوین کند و یا دست‌کم مواردی هرچند کوتاه و پراکنده را مشخص کند. در این مقاله سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که شاخصه‌های معمارانه عمارت زلیخا و سازنده آن، در منظومه یوسف و زلیخای جامی کدامند؟ همچنین این مقاله درصدد رسیدگی و بررسی این فرضیه است که براساس منظومه یوسف و

در بین نوشته‌های ادیبان ایرانی می‌توان مطالب پراکنده‌ای از توجه به هنر و معماری پیدا کرد. در برخی از متون ادبی منظوم و منثور فارسی صرفاً اصطلاحات مرتبط به هنر و معماری دیده می‌شود؛ اما در برخی دیگر در کنار حکایت‌ها و روایت‌های مذهبی، عرفانی، حماسی و عاشقانه گاهی مختصر مباحثی مربوط به آثار، عمارت‌ها، کاخ‌ها به‌صورت مشروح پیدا می‌شود. شاعران ایرانی به‌ویژه آن دسته‌ای که در اوج قله‌های شعر و ادب پارسی جای گرفته‌اند اشارات مختصر اما خاصی به خصوصیات هنر و معماری ایران دارند. گاهی جست‌وجو در منابع شعری پژوهشگر را با اصول و معیارهای تولید و زیبایی اثر روبه‌رو می‌کند. این مسئله نشان‌دهنده این است که توصیف شاعران از هنر و معماری یا هنرمندان و معماران قابلیت بررسی و تحلیل دارد.

عبدالرحمان جامی-شاعر قرن نهم هجری شمسی-از جمله شاعرانی است که در مجموعه نفیس هفت اورنگ علاوه بر به نظم درآوردن داستان‌ها و روایات کهن عرفانی و مذهبی به جزییاتی از این دست

نویسندگان وجوه توصیفی و تحلیلی کاخ‌های خورنق و هفت گنبد و معمارانشان را نقد و بررسی کرده‌اند. در چکیده این مقاله آمده است هفت‌پیکر نظامی به واسطه توصیف و بیان حالات و ویژگی‌های مستقیم و غیرمستقیم وابسته به معماری و فضاهای معماری، دست‌مایه خوبی برای درک و فهم معماری گذشته و فرهنگ معمارانه ایران زمین است. مطالعه این اثر نشان می‌دهد معماران در ساخت ابنیه به عناصری توجه می‌کنند که بناها را شکل می‌دهد و به آن‌ها حیات می‌بخشند.

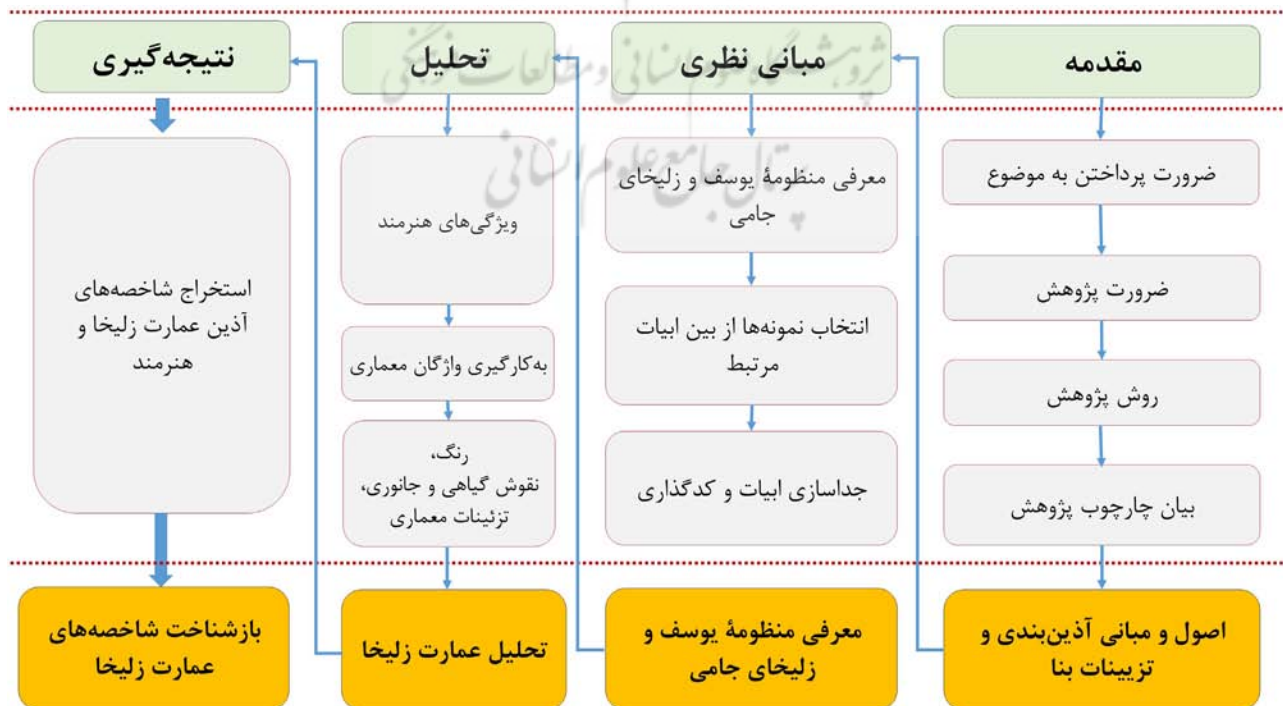
در مقاله دیگری با عنوان «پژوهشی پیرامون وصف معماری در هفت‌پیکر نظامی» (Asadpour & Sadeghi, 2021, 49)، مؤلفان ویژگی‌های معمار در اندیشه‌ی نظامی را با مفهوم جامعیت نشان می‌دهند. آن‌ها می‌نویسند جامعیتی که با اخلاق از درون آغاز شده، به علوم زمانه مزین گردیده، با اوصاف فنی گوهر خود را جلا داده و در نهایت با هنرورزی به کمال خود رسیده است. معمار در آینه نظامی از هندسه زمینی تا گردش افلاک آسمان را می‌شناسد. تأثیر هنر و زیبایی را در پژوهشی که به مثنوی معنوی و داستان دژ هوش‌ربا می‌پردازد می‌توان ملاحظه کرد. رویکرد این پژوهش عرفانی است. مؤلفان نتیجه می‌گیرند که شاه (عقل کل) پسران را از رفتن به قلعه بر حذر می‌دارد و دلیل آن را چنین بیان می‌کنند: قلعه ذات‌الصور جهان صورت‌هاست که هر نقشی از آن فریبنده عقل و دام گروهی از سالکان است (Ramezani et al., 2020, 174). مشابه این تأثیر هنری است که زلیخا و دایه‌اش دستور به تصویر کشیدن هم‌آغوشی یوسف و زلیخا را دنبال می‌کنند.

زلیخا در هفت اورنگ جامی، عمارت زلیخا دارای تزیینات پیچیده الهام گرفته از الگوهای طبیعی و سرمدی بوده که نشان‌دهنده هنر و خلاقیت معماری هنرمند بوده است (تصویر ۱).

پیشینه پژوهش

پژوهشگرانی به دنبال مباحث مربوط به هنر و زیبایی، معماری و تزیینات وابسته به آن از متون تاریخی و کهن به‌ویژه متون منظوم شعرای پارسی زبان بوده‌اند. پژوهش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد منابع غنی شعر پارسی هرازگاهی به‌عنوان منبع استخراج اصول هنر و زیبایی مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند. موارد زیر به‌عنوان نمونه‌هایی از سوابق پژوهش بررسی و نقد می‌شود.

قیومی بیدهندی و پیشوایی (Ghayoomi Bidhend & Pishvaei, 2014) در مقاله «نقش و فراتر از نقش؛ درآمدی بر جمال‌شناسی صنعت نقاشی در مثنوی معنوی» به این نکته اشاره می‌کنند که یکی از راه‌های مهم جمال‌شناسی مسلط هر دوره، بررسی مفاهیم اصلی هنر در منابع متنی است. این منابع متنی را در ادبیات عرفانی ایران می‌توان ملاحظه کرد. سید محمد راستگو (Rastgoo, 2005) عرفان و هنر را دارای ویژگی‌های مشترک می‌داند. او می‌نویسد رازناکی و چند چهرگی نمادین در هر دوی این پدیده‌ها موجود است. عارفان و هنرمندان نه تنها جهان را جور دیگر می‌بینند؛ بلکه با آن پیوندی دیگرگون دارند. بررسی و تحلیل اصطلاحات مربوط به هنر و معماری در برخی متون ادبی اعصار مختلف به‌ویژه در اشعار شاعران بزرگ بیشتر دیده می‌شود. در مقاله «جست‌وجوی معمارانه در هفت‌پیکر نظامی گنجوی» (Baladi et al., 2023, 46)،



تصویر ۱. نمودار فرایند تحلیل شاخصه‌های آدین عمارت زلیخا. مأخذ: نگارندگان.

روش پژوهش

نوع پژوهش از نظر هدف نظری و در زمره پژوهش‌های بنیادی است. روش انجام پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و برای گردآوری اطلاعات از ابزار شناسه‌برداری استفاده شده است. جامعه پژوهش مورد نظر منظومه یوسف و زلیخای جامی است. از میان منابع منظوم شاعران پارسی زبان در قرن نهم هجری شمسی انتخاب شده است. جامعه هدف ابیات و مصراع‌های سروده‌شده در حکایت «عمارت کردن دایه‌خانه‌ای که در وی تصویر یوسف (ع) و زلیخا کنند» است که به‌طور کامل شرح و تحلیل شده است. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدف‌مند بوده است. انتخاب نمونه‌ها از بین ابیات مرتبط با مباحث هنر، زیبایی، معماری و تزیینات آن است. روش تجزیه و تحلیل به‌صورت کیفی است. بدین صورت که ابتدا این حکایت انتخاب و سپس ابیات جداسازی و کدگذاری شدند. پس از آن براساس اصول تحلیل محتوای کیفی تحلیل انجام شد.

مبانی نظری

نورالدین عبدالرحمان بن احمد بن محمد (جامی) شاعر پارسی زبان قرن نهم هجری و هم‌زمان با دوره تیموری است. از آثار او می‌توان به دیوان سه‌گانه (فاتحه‌الشباب، واسعه‌العقاد و خاتمه‌الحیاه)، هفت اورنگ (سلسله‌الذهب، مثنوی سلمان، تحفه‌الاحرار، سبحة‌الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری) اشاره کرد. وی لقب خاتم‌الشعرا داشته و اشعارش با زبانی ساده و شیوا الگوی بسیاری از شاعران است. در اشعار جامی مضامین عرفان به‌صورت حکایت و روایت به نظم درآمده است. برخی جامی را پیروی فرقه نقشبندی می‌دانند. علی اصغر حکمت (۱۳۸۶) می‌نویسد که جامی از آغاز شباب تا پایان عمر مانند یک‌تن طالب علم همواره به تعلیم و تعلم پرداخته است و دقیقه‌ای از این کسب شریف فارغ ننشسته و وجود او سرمشقی کامل و نمونه‌ای جامع برای کسانی است که در راه دانش طلبی و معرفت‌جویی گام می‌نهد.

ممکن است شعری چون فردوسی از ساخت‌وساز بنا در اشعار خود صحبت کرده باشند؛ اما اولین شاعری که در داستان یوسف و زلیخا مفصلاً به فن ساخت‌وساز پرداخته جامی است (Pakzad & Shoaie, 2020, 40). جامی بیست قصیده و دو مثنوی در وصف عمارات شاهی و مدح اهتمام بنیان بنا دارد که پیداست این اشعار در هنگام اتمام و انجام بناها سروده شده است. نکته قابل توجه آن که تحقیقاً هیچ‌یک از شاعران این عصر در وصف بنا و معماری با چنین بسامدی شعر نسوده و چه بسا در گستره ادب پارسی این رویکرد و توجه نادر و بی‌بدیل است (نصیری جامی، ۱۳۸۵، ۹۷).

هفت اورنگ جامی یکی از آثار مهم ادبی به‌شمار می‌آید که حاوی اطلاعات مفیدی در زمینه معماری و تزیینات آن است. داستان «یوسف و زلیخا» یکی از داستان‌های این اثر است که شاعر در

بخشی از آن به توصیف عمارتی، که زلیخا برای یوسف بنا کرده بود، پرداخته و ریزه‌کاری‌های هنر نقش‌نگاری آن را وصف کرده است (Alizadeh Khayat et al., 2022, 133).

• خلاصه روایت

یوسف (ع) یکی از پسران یعقوب پیامبر است که بر اثر حسادت برادران به چاه افکند و توسط کاروانی (برده‌فروشان) از بن چاه بیرون آورده می‌شود. جوان‌مردی به نام مالک او را به اندک قیمتی می‌خرد. یوسف توسط مالک به مصر برده و توسط زلیخا خریداری می‌شود. یوسف در دستگاه عزیز مصر و زلیخا پرورش می‌یابد و زلیخا دل‌باخته او می‌شود. زلیخا به راه‌های مختلف متوسل شده بود تا یوسف را به وصال مجبور کند؛ ولی یوسف هر بار به بهانه‌ای طلب زلیخا را رد می‌کند. به یوسف تهمت می‌زنند و او را به زندان می‌افکنند و باقی ماجرا.

همان‌طور که گفته شد زلیخا با مشورت و همراهی دایه خود، بارها یوسف را برای وصال فرا می‌خواند. در منظومه یوسف و زلیخای جامی در مطالبه یوسف به مواردی اشاره می‌شود. مطالبه کردن شخص زلیخا از یوسف و استغنا کردن یوسف از وی، فرستادن دایه زلیخا و طلب مقصود کردن، تضرع و زاری زلیخا و عذرخواستن یوسف، تهیه اسباب در باغ و دعوت از یوسف به مهمانی و باغ، عرضه کردن کنیزکان به یوسف برای افزایش شوق وصال در او، حيله ساختن زلیخا و دایه و بنا کردن عمارتی که در وی تصویر یوسف و زلیخا در آن نقش شده باشد، از جمله مواردی هستند که جامی در این منظومه به آن‌ها می‌پردازد.

تجزیه و تحلیل

جامی قبل از شروع حکایت عمارتی که تصویر یوسف و زلیخا در آن نقش بسته شده، ابیاتی مرتبط را در حکایت «تضرع کردن زلیخا پیش دایه و التماس حيله که سبب مواصلت یوسف علیه السلام گردد» می‌آورد.

مرا در خاطر افتاده‌ست کاری
کز آن کار ترا خیزد قرار
ولی وقتی میسر گردد آن کار
که سیم آری به اشتر زر به خروار
بسازم چون ارم دلکش بنایی
بگویم تا در او صورت‌گشایی
به موضع موضع از طبع هنر کوش
کشد شکل تو با یوسف هم آغوش

(Jami, 1996, 672)

زلیخا پس از آن که بارها یوسف را مطالبه می‌کند و از او پاسخی مبنی بر وصال دریافت نمی‌کند با تضرع به دایه متوسل می‌شود. دایه برای آرامش زلیخا راه‌حل را در ساخت عمارتی می‌داند که در آن پر از تصاویر هم‌آغوشی آن دو باشد. چو یوسف یک زمان در وی نشیند

در آغوش خودت هر جا ببیند
بجنبید در دلش مهر جمالت
شود از جان طلبکار وصال
ز هر سو چون بجنبید مهربانی
بر آید کارها زانسان که دانی
(ibid., 673)

در ابیات بالا تأثیر تصویر بر مخاطب نمایان می‌شود. دایه فکر می‌کند که یوسف با آمدن به عمارت و دیدن آن تصاویر مهر زلیخا در دلش جا می‌کند و خواستار وصال می‌شود. خصوصیتی که شاعر حکیم درباره بنای ساخته‌شده زلیخا و معمار آن به مخاطب معرفی می‌کند، به این صورت است.

چنین گویند معماران این کاخ
که چون شد بر عمارت دایه گستاخ
به دست آورد استادی هنر کیش
به هر انگشت دستی صد هنر پیش
به رسم هندسه کار آزمایی
قوانین رصد را رهنمایی
ز تشکیلش مجسطی سخت آسان
ز تشکیک وی اقلیدس هراسان
چو از پرگار بودی خالیش مش
نمودی کار پرگار از دو انگشت
چو بهر خط ز طبعش سرزدی خواست
برو آن کار بی مسطر شدی راست
بجستی بر شادی بر طاق اطلس
بر ایوان زحل بستی مقرنس
چو سوی تیشه کردی دستش آهنگ
ز خشت خام گشتی نرم‌تر سنگ
به طراحی چو فکر آغاز کردی
هزاران طرح زیبا ساز کردی
به نقش آفرینش چون زدی رای
شدی از خانه لوح هستی آرای
به تصویر آن چه بر کلکش گذشتی
ز رشح آن روانی زنده گشتی
به سنگ از صورت مرغی کشیدی
سبک سنگ گران از جا پریدی
(ibid.)

در ابیات بالا به ویژگی‌های سازنده بنا که در ساخت عمارت مهارت زیادی دارد، اشاره شده است. استادی که در پایه و مبانی ساخت‌وساز دقیق، براساس اعداد و ارقام کارآزموده است، نجوم می‌داند و علم رصد ستارگان را می‌شناسد و به‌همین واسطه عمارت را بنا می‌کند. معماری که به ابزارآلات طراحی مانند پرگار و خط‌کش نیاز ندارد. از ویژگی‌های دیگر او خلاقیت در طراحی و نقش‌پردازی است و چنان نقوشی را برای تزیینات بنا تصویر

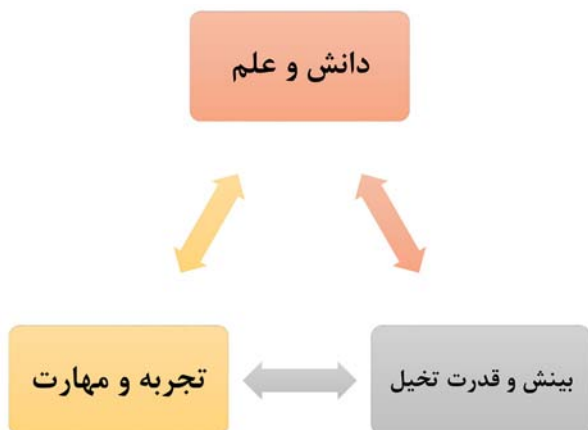
می‌کند که زنده به نظر برسند.

شاعر در این ابیات از اصطلاحاتی برای نشان دادن مهارت و چیره دستی استاد استفاده کرده است که هر کدام در حکمت، فلسفه و مبانی زیبایی‌شناسی ایران و سرزمین‌های دیگر چون یونان، روم و چین تا قرن‌ها به‌عنوان اصول و معیارهای درست و صحیح طراحی و ساخت بناها، کاخ‌ها و معابد بوده‌اند. علاوه بر آن مواردی که به‌عنوان معیارهای عینی در زیبایی‌شناسی مورد توجه معماران و هنرمندان قرار می‌گرفته‌اند.

اصطلاح هنر در بیت دوم این حکایت به کمال در فن اشاره دارد. در ادبیات گذشته ایران هنرمند به شخصی گفته می‌شد که برای انجام کاری، فنی و یا تولیدی به غایت مهارت خود رسیده باشد. معمار این عمارت در هر دو مصراع بیت دوم صاحب هنر معرفی شده است.

آشنایی با هندسه و اصول آن برای طراحی و ساخت یک بنا از نیازهای اولیه هر معمار حرفه‌ای دانسته می‌شد. یکی از اصول عینی زیبایی‌شناسی در هنر و معماری آشنایی هنرمند و معمار با نسبت‌های ریاضی و هندسه بوده و هست. چگونگی ترکیب‌بندی، نسبت یک جزء با کل سازه و یا بنا (مانند نسبت ایوان با کل بنا)، پایه عمارت، ستون‌بندی، ارتفاع بنا و ... از مواردی بودند که یک معمار حرفه‌ای باید با آن آشنا می‌بود (تصویر ۲).

دانستن نسبت‌هایی مانند نسبت طلایی، نسبت‌های حلزونی و دایره‌ای، نسبت‌های متناسب با پیکر انسان، نسبت‌های وضع شده توسط ویتروویوس است که حرفه‌ای بودن یک سازنده را نشان می‌دهد. قوانین رصد هم از جمله اصطلاحات به کار رفته توسط جامی درباره معمار عمارت است. از خصوصیات یک معمار حرفه‌ای، آگاهی نسبت به گردش سیارات و ستارگان و ماه و خورشید بوده است. چگونگی به کارگیری نور در معماری، شناخت منظر آسمان و وضعیت ماه و خورشید از گذشته‌های دور در ساخت بناها مورد توجه بوده است. سازه‌هایی چون استون‌هنج، چهارتاقی‌ها، و برخی بناهای دیگر را در ارتباط مستقیم با تعیین زمان، گاه‌شماری‌ها و تعیین هنگام کشاورزی و پرورش دام می‌دانند. بناهایی مانند



تصویر ۲. سه شاخصه معمار عمارت زلیخا. مأخذ: نگارندگان.

تخت جمشید و سازه‌های اشکانی و ساسانی و آثار اسلامی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم به مسئله رصد ستارگان توجه ویژه داشته‌اند. حتی آغاز ساخت یک بنا را در وضعیتی مناسب از قرارگیری ستارگان (زمان سعد) انجام می‌دادند.

درباره اصطلاح مجسطی در لغت‌نامه دهخدا (Dehkhoda, 1993, 17934) این‌گونه نوشته شده است. نام کتابی است مغان را. یعنی آتش‌پرستان را در احکام آتش‌پرستی از مجسط موبد و نام کتابی است از اقلیدس حکیم یونانی در علم ریاضی (برهان). نام کتابی است در علم ریاضی مشتمل بر اصول و دلایل اشکال علم هندسه. موجد آن بطلمیوس است و در اصل نام علمی است به هیئت افلاک و زمین و مقادیر حرکات و کمیت ابعاد و اجرام و به زبان یونانی به معنی ترتیب است؛ زیرا که این علم پیش از بطلمیوس بدین ترتیب نبود و بعضی نوشته‌اند که از حکیم اقلیدس است و بالفعل که مجسطی موجود است ترجمه آن است که نصیر طوسی تحریر کرده (غیاث) (آندراج)، مشاهده می‌شود که اصطلاح مجسطی نیز به روابط بین ستارگان و علم نجوم و فیزیک ارتباط دارد. جامی نیز ضمن مقایسه معمار این بنا (با هویت نامشخص) با اقلیدس حکیم یونانی اذعان می‌دارد که این سازنده به این روابط (نجوم) یا به این کتاب (مجسطی) تسلط زیادی داشته است و بنابراین در طراحی شخصی مسلط است.

ابیات پنجم و ششم به تجربه و مهارت معمار اشاره دارد. شاعر دقت در ترسیم دایره و خط راست بدون نیاز به وسایل طراحی را بار دیگر به مخاطب گوشزد می‌کند. خلاقیت و ویژگی بعدی است که این معمار با تخیل طرح‌های گوناگون آن را در کارنامه‌ی خود دارد. خلاقیتی که در این جا به آن اشاره می‌شود از جنس خلق در عالم خیال است. مربوط به مرحله‌ی درون‌تایی و قدرت تخیل و ذهن هنرمند است. مهارت معمار نیست که در این مرحله به آن پرداخته می‌شود؛ بلکه همان مطلبی است که مولانا نیز در حکایت «مری کردن چینینان و رومیان در نقاشی» به آن اشاره کرده است. معمار در این جا شبیه رومیانی است که در آن حکایت نقوش و طرح‌های بی‌حد و حصر را به واسطه‌ی صیقل دادن دل تخیل می‌کند. جامی سامان‌دهی این طرح‌های خلاقانه را در بیت نهم به خوبی نشان داده است. شاید ابیات پایانی معرفی معمار، به زبردستی او در پرداخت تزیینات بنا و یا به مهارتش در هنرهای دیداری اشاره دارد. معماری که در طراحی و نقاشی نیز چیره‌دست است. مانند بیشتر شاعران پارسی زبان نگاه جامی به نقاشی نگاهی به سمت جریان واقع‌گرایی (رئالیسم) است. در ابیاتی که هنرمند می‌تواند با تصویرگری پرنده آن را به پرواز درآورد به این مسئله اشاره دارد. هنرمند طوری نقش را مانند الگوی واقعی خودش ترسیم می‌کند که هر آن ممکن است آن نقش جان بگیرد و زنده شود (جدول ۱).

• ویژگی‌های عمارت

جامی در ابیات بعدی این حکایت به شرح و توصیف بنا و عمارت ساخته‌شده توسط این استاد معمار می‌پردازد.

ممهد فرش مرمر در ممرهاش
موصل ز آبنوس و عاج درهاش
در اندر هم در آنجا هفت خانه
(چو هفت اورنگ بی مثل و زمانه)
مرتب هر یک از لون دگر سنگ
صقالت دیده و صافی و خوش رنگ
مرصع چل ستون از زر برافراخت
ز وحش و طیر زیبا شکل‌ها ساخت
به پای هر ستونی ساخت از زر
غزالی ناف او پر مشک اذفر
ز طاووس‌های زرین صحن او پر
به دم‌های مرصع در تبختر
میان آن درختی سرکشیده
که مثلش چشم نادر بین ندیده
ز سیم خام بودش نازنین ساق
ز زر اغصانش وز پیروزه اوراق
به هر شاخش ز صنعت بود طیار
ز مرد بال مرغی لعل منقار
همه مرغان او با مردمان رام
به یک جا کرده صبح و شام آرام
در آن خانه مصور ساخت هر جا
مثال یوسف و نقش زلیخا
به هم بنشسته چون معشوق و عاشق
ز مهر جان و دل با هم معانق
به یک جا این لب آن بوسه داده
به یک جا آن میان این گشاده
همانا بود سقف آن سپهری
برو تابنده هر جا ماه و مهری
عجب ماهی و مهری چون دو پیکر
ز چاک یک گریبان بر زده سر
به هر گل گل زمینش بیش یا کم
دو شاخ تازه گل پیچیده با هم
در آن خانه نبود القصه یک جای
تهی زان دو دلارام و دلارای
به هر سو دیده و دیده گشادی
ز اول صورت ایشان نمودی
چو شد خانه بدین صورت مهیا
به یوسف شد فزون شوق زلیخا
به هر نوبت که آن بتخانه را دید
درو مهر دگر از نو بجنبید
بلی عاشق چو بیند نقش جانان
شود زان نقش حرف شوق خوانان
(ibid.)

راهروها و دهلیزهای این عمارت با سنگ مرمر فرش شده و

جدول ۱. ویژگی‌ها و صفات معمار عمارت زلیخا، مأخذ: نگارندگان.

مصرع و یا بیت مربوط	شماره	استخراج واژه	استخراج مفاهیم	تفسیر مفاهیم
به رسم هندسی کارآزمایی	۳	رسم هندسی	آگاه به علم هندسه (مجرب و کارآزموده در ترسیم فنی)/ آگاه به علوم ریاضی و هندسی	آشنایی هنرمند و معمار با نسبت‌های ریاضی و هندسه، چگونگی ترکیب‌بندی، نسبت یک جزء در معماری.
قوانین رصد را رهنمایی	۳	قوانین رصد	آگاه به علم رصد (منظرشناس، سازنده ایوان و سقف براساس حرکات ماه و خورشید)	آگاهی نسبت به گردش سیارات و ستارگان و ماه و خورشید، چگونگی به‌کارگیری نور در معماری، شناخت منظر آسمان و وضعیت ماه و خورشید
دانش/علوم				
ز تشکیلیش مجسطی سخت آسان	۴	مجسطی	آگاه به علم مجسطی (نام علمی است به هیئت افلاک و زمین و مقادیر حرکات و کمیت ابعاد و اجرام و به زبان یونانی)	داننده علوم هیئت و نجوم
ز تشکیک وی اقلیدس هراسان	۴	اقلیدس	آگاه به علم اقلیدس	قابل قیاس با اقلیدس در فلسفه، ریاضی و هندسه
به دست آورد استادی هنر کیش	۲	استادی هنر کیش	معمار، هنرمند خبره، کمال در فن	هنرمند بودن معمار در شاخه‌های مختلف مطابق با تصویر هنرمند در ادبیات گذشته ایران
به هر انگشت دستش صد هنر بیش	۲	انگشت دست- هنر	چیره‌دست/ آگاه به هنرهای مختلف	هنرمند بودن معمار در شاخه‌های مختلف
چو از پرگار بودی خالیش مش نمودی کار پرگار از دو انگشت	۵	پرگار	ترسیم فرم دایره	اهل دقت و مهارت در ترسیم و طراحی بنا بدون نیاز به ابزار طراحی
چو بهر خط ز طبعش سر زدی خواست بر او آن کار بی مسطر شدی راست	۶	خط بی مسطر	ترسیم خط راست بدون ابزار	مهارت در ترسیم خط راست و طراحی بدون نیاز به ابزار طراحی
چو سوی تیشه کردی دستش آهنگ ز خشت خام گشتی نرمتر سنگ	۸	تیشه نرمتر سنگ	حجاری سنگ	توانایی و مهارت در حجاری با سنگ
به سنگ ار صورت مرغی کشیدی سبک سنگ گران از جا پردی	۱۳	سنگ، صورت	تصویرگری	مهارت در تصویرگری و نقاشی/ واقع‌گرا و روایت‌گر عین‌به‌عین الگو (رئالیست)
به تصویر آنچه بر کلکش گذشتی ز رشخ آن روانی زنده گشتی	۱۲	تصویر، کلک، روان	قدرت روان	توانایی در خلق واقعی یک اثر
به طراحی چو فکر آغاز کردی هزاران طرح زیبا ساز کردی	۹	فکر آغاز کردی، طرح زیبا	قوة تفکر	خلاق در طراحی/ دارای ذهنی منبسط برای ایجاد انواع طرح‌ها/ دارای قوه خیال مناسب پیش از ترسیم
به نقش آفرینش چون زدی رای شدی از خامه لوح هستی آرای	۱۱	آفرینش	آفرینش و خلق اثر	توانایی در آفرینش و خلق اثر/ دارای تفکر خلاقانه و هنرمندانه

ساخته شده بود. در جای‌جای خانه، تصاویر مربوط به یوسف و زلیخا نقاشی شده بود که مانند عاشق و معشوق در کنار هم و در حالت بوسه نشسته بودند. سقف عمارت نیز تصاویر ماه و خورشید بود و روی هر دیوار باغ، گلزار تصویر شده بود که دو شاخه دو شاخه درهم پیچیده بودند. در تمام صحن و سرای خانه، نقش یوسف و زلیخا منقش شده بود و مخاطب به هر طرف که رو می‌کرد، آن دو را می‌دید، طوری که خود زلیخا از دیدن این تصاویر شوقش به وصال یوسف افزون‌تر شود (جدول ۳).

دره‌هایش از جنس آبنوس بود. دارای هفت اتاق بزرگ تودرتو بود که هر کدام رنگ مستقلی داشت و صیقلی بود (جدول ۲).
چهل ستون مرصع از طلا که با نقش‌های جانوران و پرندگان تزیین شده بود. در پای هر ستون مجسمه غزالی از جنس طلا وجود داشت. صحن پر از مجسمه‌های طلاووس با دم‌های مرصع بود. در میان صحن درختی قرار داشت که ساقه آن از نقره و شاخه‌های آن از طلا و برگ‌های آن از فیروزه ساخته شده بود. روی هر شاخه، پرنده‌ای که بال آن از زمرد و منقارش از لعل (سنگ قیمتی)

تزیینات وابسته به این عمارت در این منظومه هم به صورت سه‌بعدی و هم دو‌بعدی تشریح شده است. جامی در این بخش از حکایت یوسف و زلیخا با توصیف و پرداخت جز به جزء آذین بنا، آن را برای مخاطب به تصویر کشیده است (تصویر ۳). رنگ غالب بنا که در مصراع‌های مختلف به آن اشاره شده، رنگ طلایی است که براساس زر اندود کردن سرام، ستون‌ها، پایه ستون‌ها و شاخه‌های درخت و بازتاب آن‌ها در دیوارهای صیقلی به وجود آمده است. بازتابی که با صیقلی و آینه‌بودن سنگ‌ها در کف بنا و دیواره‌های صحن به وجود آمده بود. همان‌طور که در روایات

مختلف یوسف و زلیخا نیز دیده می‌شود، این عمارت در قالب هفت صحن پی‌درپی و هر کدام با سنگی از جنس و رنگی متفاوت ساخته شده بود.

شاعر پس از تصویرسازی متنی مصالح به کاررفته در کف و دیوارها به چهل ستون ساخته‌شده از زر اشاره می‌کند. ابیات بعدی به احجام، پیکره‌ها و مجسمه‌های ساخته شده از جانوران می‌پردازد. جانوران و پرندگانی مانند غزال و طاووس (به طور خاص) و اصطلاحات وحوش و طیور (به‌طور عام) در شعر دیده می‌شود. غزال‌هایی که از نافه آن‌ها بوی تند مشک به مشام مخاطب

جدول ۲. به کارگیری واژگان معماری در اشعار عمارت زلیخا. مأخذ: نگارندگان.

شرح	عناصر	ش	بیت / مصرع	
-	کاخ	۱	چنین گویند معماران این کاخ	بنا/ مکان
-	عمارت	۱	که چون شد بر عمارت دایه گستاخ	
عمارات: جمع عمارت و به معنای ساختمان‌ها	عمارات	۱۰	عمارات جهان بی سر و بن	
وجود هفت اتاق بزرگ تودرتو در آن عمارت	هفتم خانه	۱۹	به هفتم خانه همچون چرخ هفتم	
-	هفت خانه	۱۷	در اندر هم در آنجا هفت خانه	
تشبیه به بتخانه به دلیل وجود تصاویر بر جداره‌های آن	بتخانه	۴۰	به هر نوبت که آن بتخانه را دید	فضا
-	فضای خانه	۱۵	فضای خانه هایش گنج آمال	
جای در این مصرع به معنای مکان	خانه- جای	۳۷	در آن خانه نبود القصه یک جای	
منظور از صحن در این ابیات حیاط	صحن(حیاط)	۲۲	ز طاووسان زرین صحن او پر	
زحل نماد آسمان و به معنای آسمان باشکوه	ایوان	۷	بر ایوان زحل بستی مقرنس	
فضاهایی مانند ایوان در معماری تیموری	صفه	۱۵	صفای صفه‌های صبح اقبال	اجزاء
فرش شدن راهروها و دهلیزهای این عمارت با سنگ مرمر	ممر	۱۶	ممهد فرش مرمر در ممرهاش	
عناصر تشکیل دهنده فضای ایوان	ستون	۲۰	مرصع چل ستون از زر برافراخت	
تزیینات موجود در پای هر ستون	ستون	۲۱	به پای هر ستونی ساخت از زر	
تشبیه عناصر سقف به آسمان	سقف	۳۲	همانا بود سقف آن سپهری	
ساختن سقف قوسی شکل که با آجر روی اتاق، درگاه، پل، یا جای دیگر	طاق	۷	بجستی بر شدی بر طاق اطلس	
پوشیده‌بودن کف راهروها با فرش مرمر	فرش مرمر	۱۶	ممهد فرش مرمر در ممرهاش	
دره‌های از جنس آبنوس	درها	۱۶	موصل ز آبنوس و عاج درهاش	

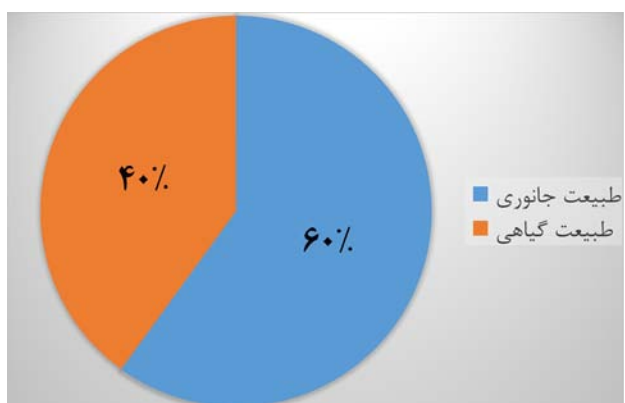
جدول ۳. بهره گیری از واژگان رنگ در اشعار عمارت زلیخا. مأخذ: نگارندگان.

رنگ	شماره	بیت / مصرع
زرین دست- زر اندود	۱۴	به حکم دایه زرین دست استاد- زرانوده سرایی کرد بنیاد
لون- خوشرنگ	۱۸	مرتب هر یک از لون دگر سنگ- صقالت دیده و صافی و خوشرنگ
زر	۲۰	مرصع چل ستون از زر برافراخت
زر	۲۱	به پای هر ستونی ساخت از زر
زرین	۲۲	ز طاووسان زرین صحن او پر
زر	۲۴	ز زر اغصانش از فیروزه اوراق
سبز	۲۶	بنامیزد درختی سبز و خرم

دیوارهای کاخ تصویر چهره و اندام خودش به تنهایی و در آغوش یوسف را تصویر کند.

بین زلیخا را که جان پر امید
ساخت کاخی چون دل صوفی سفید
نقش بندی خواست آنگه چیره دست
تا به هر جا صورت او نقش بست
جدول ۴. حضور طبیعت در عمارت زلیخا. مأخذ: نگارندگان.

تحلیل				بیت و یا مصراع	شماره	واژه	معنی واژه
۴	۳	۲	۱				
۴	میان آن درختی سر کشیده	۲۳	درختی	درخت	۴	۳	۲
	ز سیم خام بودش نازنین ساق	۲۴	ساق	تنه درخت			
	ز زر اغصانش از فیروزه اوراق	۲۴	اغصانش - اوراق	شاخه ها، برگ ها			
	به هر شاخش ز صنعت بود طیار	۲۵	شاخش	شاخه			
۳	بنامیزد درختی سبز و خرم	۲۶	درختی	درخت	۳	۲	۱
	چو در فصل بهاران تازه گلزار	۳۴	گلزار	گل			
	به هر گل گل زمینش بیش یا کم	۳۵	گل - گل	گل			
	دو شاخ تازه گل پیچیده با هم	۳۵	شاخ - گل	شاخه، گل			
۲	ز فرشش بود هر جایی شکفته دو گل با هم به مهد ناز خفته	۳۶	گل	گل	۲	۱	۰
	ز وحش و طیر زیبا شکل ها ساخت	۲۰	وحش و طیر	حیوانات و پرندگان			
	غزالی ناف او پر مشک اذفر	۲۱	غزالی	آهو			
	ز طاووسان زرین صحن او پر	۲۲	طاووسان	طاووس			
۱	زمرود بال مرغی لعل منقار	۲۵	مرغی	مرغ	۱	۰	۰
	همه مرغان او با مردمان رام	۲۷	مرغان	مرغ ها			
	ز وحش و طیر زیبا شکل ها ساخت	۲۰	وحش و طیر	حیوانات و پرندگان			



تصویر ۴. بسامد استفاده از طبیعت گیاهی و جانوری در عمارت زلیخا. مأخذ: نگارندگان.

می رسد. کنار هم قرار گرفتن پرندگان و جانوران و درختی که پژمردگی ندارد تصویر بهشت را تداعی می کند؛ به خصوص استفاده از طاووس زرین که پرهای دمش از سنگ های مرصع درخشان ساخته شده است. شاعر با تصویر کردن درخت نقره ای با شاخ و برگ های طلایی، آهوان و پرندگان روی شاخه ها به دنبال این است که فضایی فارغ از غم و غصه و عمارتی برای تفریح و آسایش را به مخاطب نشان بدهد. **جدول ۴** اشاره به نقوش و احجامی است که هنرمند تجسمی دربار زلیخا با الهام والگو گرفتن از طبیعت آن ها را تصویرگری کرده یا ساخته است (**تصویر ۴**).

مهم تر از همه آن ها تصاویری است که از کنار هم نشستن، بوسه دادن و هم آغوشی یوسف و زلیخا به صورت نقاشی در ابیاتی بیان شده است. این تصاویر و انعکاس آن ها در آینه ها به طوری که مهمان به هر جا نظر کند با این تصاویر روبه رو شود، می تواند تأثیر هنر را به طور عام و نقاشی به طور خاص را بر مخاطب بیان کند. هدف از خلق این تصاویر ایجاد شوق برای یوسف پیامبر در وصال زلیخا بوده است. در مثنوی معنوی و حکایت دژ هوش ربا هم ملاحظه می شود که شاه پسران خود را از رفتن به آن دژ بر حذر داشته است و علت این پرهیز تأثیر تصاویر و نقاشی ها بیان می شود. نقاش این عمارت طوری یوسف و زلیخا را در کنار هم تصویر کرده است که احساس عشق و علاقه در بین آن ها بیان شود. در بیت بعدی مشخصاً آسمانی تصویر می شود که مهر و ماه در آن جا گرفته اند. مهر می تواند به یوسف و ماه به زلیخا اشاره داشته باشد. یعنی هم دیوارها و هم سقف پر از نقاشی تنگاتنگ ایشان است. نقاش با استفاده از ترسیم گل ها و گیاهان تازه نقش فصل بهاران و باغی باشکوه را در عمارت ایجاد می کند. پس ملاحظه می شود که هنرمند با استفاده از پیکره های جانوران و پرندگان، ساخت درختی با نقره و طلا در میان صحن و تصاویر دویعدی جانوران و پرندگان و گیاهان در هم پیچیده قصد دارد مکانی آسوده و مفرح را خلق کند. اوج تصویرگری همان تصاویر نزدیک یوسف و زلیخا است که هدف اولیه تأسیس این عمارت بوده است.

ویژگی عمارت زلیخا در مثنوی سلامان جامی نیز بیان شده است. آن جا نیز عاشق (زلیخا) برای جلب نظر یوسف دستور می دهد روی



تصویر ۳. بسامد واژگان معماری در اشعار یوسف و زلیخای جامی. مأخذ: نگارندگان.

یوسف/ از گفت و شنیدش رو بتافت
صورت او دید رو هر سو بتافت
صورت او را چو پی در پی بدید
آمدش میلی به وصل او پدید
(ibid., 240)

زلیخا را نشان می‌دهد. عناصری که توسط هنرمند به کار گرفته شده تا بهشتی زمینی را ترسیم کند. با ترسیم و ساخت این بهشت روی زمین قرار بوده است که هدف زلیخا و دایه‌اش عملی شود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد پس از ابراز میل زلیخا به یوسف و ناکامی‌های چندباره، با مشورت دایه دستور به ساخت عمارتی پرهزینه با هدف ایجاد شوق یوسف به زلیخا داده می‌شود. از بهترین معمار و هنرمند دعوت می‌شود که این عمارت را بسازند و آذین ببندد. معماری که در هندسه، ریاضی، اصول معماری و

در این روایت یوسف با دیدن تصویر خود و زلیخا مهری در دلش نسبت به زلیخا پدید می‌آید که باز این تأثیر نقش، تصویر و هنر را بر مخاطب بیان می‌کند. اما در منظومه یوسف و زلیخا در نهایت جایی برای پدیدآمدن این میل دیده نمی‌شود، گرچه باز تأثیر هنر بازگو می‌شود. **جدول ۵** کلیت ویژگی‌های مربوط به آذین عمارت جدول ۵. ویژگی‌های آذین‌بندی عمارت زلیخا. مأخذ: نگارندگان.

انواع	بیت / مصرع	ش	مکان کاربرد	توصیف تزئینات
مرصع کاری	مرصع چل ستون از زر برافراخت	۲۰	ستون	- استفاده از سنگ‌های گران‌قیمت مانند مرمر، سنگ‌های صیقل‌یافته با ارزش در رنگ‌های مختلف (تا حدودی مشابه روایت نظامی از عمارت بهرام که توسط شیده ساخته شده در منظومه هفت‌اورنگ)
	به دم‌های مرصع در تحیر	۲۲	حیاط	- سنگ‌هایی مانند مرصع، لعل، فیروزه، زمرد
	ز زر اغصانش از فیروزه اوراق	۲۴	-	-
مقرنس	بر ایوان زحل بستی مقرنس	۷	ایوان	-
حجاری و صیقل‌کردن سنگ	چو سوی تیشه کردی دستش آهنگ ز خشت خام گشتی نرمتر سنگ	۸	-	- تولید پیکره‌های جانوری
	مرتب هر یک از لون دگر سنگ صقالت دیده و صافی و خوشرنگ	۱۸	-	- تولید احجامی به شکل پرنده‌گان. تزئینات درون صحن و اتاق‌ها
	به سنگ از صورت مرغی کشیدی سبک سنگ گران از جا پریدی	۱۳	-	- صیقل‌کردن سنگ‌ها
تصویرگری نقاشی/نگارگری	در آن خانه مصور ساخت هر جا مثال یوسف و نقش زلیخا	۲۸	خانه	- مهارت در تصویرگری و نقاشی/واقع‌گرا و روایت‌گر عین‌به‌عین الگو (رنالیت)
	بلی عاشق چو بینه نقش جانان شود از نقش حرف شوق خوانان	۴۱	-	- استفاده از طرح‌های گیاهی به صورت نقاشی و نگارگری یادآور باغ بهشت، باغ ایرانی
	مثال یوسف و نقش زلیخا به هم بنشسته چون معشوق و عاشق	۲۹	-	- استفاده از نقوش گیاهی اساطیری و بومی و تجریدی در هنر ایران. مانند اسلیمی‌ها، ختایی‌ها، چهارباغ و نقوش جانوری
	به یکجا این لب آن بوسه داده	۳۰	-	- وجود انواع طرح‌هایی چون شکارگاه، گرفت‌وگیر، گل و مرغ و ... در شاخه‌های مختلف هنر مانند فرش، معماری، منسوجات
	عجب ماهی و مهری چون دو پیکر	۳۳	-	- تصویرسازی دشت‌ها و ...
	دو گل باهم به مهر ناز خفته	۳۶	-	-
	تهی زان دو دلارام و دلارای	۳۷	-	-
	موصل زآنبوس و عاج درهاش	۱۶	درب	- استفاده از مصالح گران‌قیمت و نایاب
طلاکاری	مرصع چل ستون از زر برافراخت	۲۰	ستون	-
	به حکم دایه زرین دست استاد زراندوده سرایی کرد بنیاد	۱۴	سرا	- غالب بودن رنگ طلایی در بنا.
	ز طاووسان زرین صحن او پر	۲۲	صحن	- تداعی کاخ شاهان و بناهای اشراف با رنگ طلایی
	ز زر اغصانش از فیروزه اوراق	۲۴	-	- رنگی مادی و هم معنوی طبق منابع
نقره‌کاری	به پای هر ستونی ساخت از زر غزالی ناف او پر مشک اذفر	۲۱	ستون	- استفاده از مصالح فلز طلا و آب‌کاری طلا در ستون‌ها و بخش‌های دیگر بنا
	ز سیم خام بودش نازنین ساق	۲۴	-	- پیکره‌ها به شکل جانوران بر شاخه درخت

تیموری. ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)، (۱۱ و ۱۲)، ۹۲ - ۱۰۵.

- Alizadeh Khayat, N., Goli, A., & Rashidi, Z. (2022). Aesthetics of architectural decorations in the literature of the Timurid period: Case study of Jami poetry. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 10(4), 119-142. <https://doi.org/10.22059/jlcr.2021.326043.1693>
- Asadpour, A., & Sadeghi, S. (2021). Study on the description of architect in the Haft Peykar of Nizâmî. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 9(31), 41-50. <https://doi.org/10.22034/jaco.2021.270477.1183>
- Baladi, R., Alemi, B., & Kamali Zarchi, S. (2023). Exploring architectural elements in Nizâmî's Haft Peykar. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 11(41), 46-59. <https://doi.org/10.22034/jaco.2023.384836.1297>
- Dehkhoda, A. A. (1993). *The Dictionary of Dehkhoda* (Vol. 12). University of Tehran.
- Ghayoomi Bidhend, M., & Pishvaei, H. R. (2014). Pattern and beyond: An introduction to the aesthetics of Naqsh and painting in Rumi's Mathnawi. *Kimiya-ye Honar*, 2(9), 7-17. <http://kimiahonar.ir/article-1-170-fa.html>
- Jami, A. R. (1996). *Haft Awrang* (M. Gilani, Trans.). Mahtab.
- Pakzad, M., & Shoaie, M. (2020). Survey on Persian literature till Jami and analyzing the word architect and architecture. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 18(34), 29-46. <https://doi.org/10.22111/jllr.2020.5285>
- Ramezani, S., Pashaei Fakhri, K., & Abalzadh, P. (2021). Theological concepts of art and beauty in the story of the "Zat-al Sovar Castle" or the fortress of "Hoosh Roba" from the Masnavi Manavi of Rumi. *Islamic Art Studies*, 16.17(38), 160-176. <https://doi.org/10.22034/ias.2019.210549.1100>
- Rastgoo, M. (2005). Seeing the other way (A study of the links Between Art and Sufism). *Mystical Studies*, 1(2), 79-108. https://s-erfani.kashanu.ac.ir/article_113036.html?lang=en

نجوم مهارت بسیار زیادی داشته و این ویژگی‌های معمارانه در کنار آشناییش با هنر از او استادی متبحر و کارآمد ساخته است. معماری که خلاقانه فکر و طراحی می‌کند و پس از طراحی به بهترین نحوی از پس ساخت عمارت برمی‌آید (ویژگی‌های سازنده بنا تا حدودی مشابه سنمار - معمار خورنق در منظومه هفت‌پیکر نظامی - و ویژگی‌های عمارت تا حدودی مشابه بنای ساخته‌شده توسط شیده در همان منظومه است). اما به دلیل هدف خاصی که از ساختن عمارت وجود داشته است، شاعر باید آن را طوری تصویرسازی کند که آن قصد در عمارت شناخته و دیده شود؛ برای همین در روایت مذکور بیش از اینکه به سازه، ارتفاع، استحکام و مسائل فنی پرداخته شود، آذین‌ها و تزیینات موجود در بنا توصیف می‌شود.

ویژگی‌هایی که نشان می‌دهد در این عمارت هم از احجام سه‌بعدی (پیکره‌های جانوری، فرم پرندگان و درختان) و هم از تصاویر دو بعدی (نگاره‌های مربوط به یوسف و زلیخا، گیاهان درهم پیچیده، گلزار) استفاده شده است. مصالح گران‌قیمت طلا و نقره همراه با سنگ‌هایی چون لعل، زمرد و ... نشان می‌دهد این عمارت باشکوه و گران ساخته شده است. استفاده از رنگ‌های مختلف در دیوارها و سقف به‌ویژه دو رنگ طلایی و نقره‌ای اشاراتی است که در این حکایت دیده می‌شود. به‌طور کل می‌توان گفت شکوه تزیینات، زیبایی تصاویر، استفاده از مجسمه‌ها و پیکره‌ها، تصاویر هم‌آغوشی و رنگ‌های درخشان سنگ‌های صیقلی توصیف‌شده در این قطعه به زیبایی توسط شاعر به وصف درآمده است.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست منابع

- حکمت، علی اصغر. (۱۳۸۶). جامی: متضمن تحقیقات در تاریخ احوال و آثار منظوم عبدالرحمان جامی. توس.
- نصیری جامی، حسن. (۱۳۸۵). سرآمد پیوند شعر و هنر در عصر

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
آقاجانی کشتلی، جواد و امیدواری، سمیه. (۱۴۰۴). تحلیل شاخصه‌های آذین عمارت زلیخا و معمار آن براساس منظومه یوسف و زلیخای جامی. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۳ (۴۸)، ۱۶-۲۵.

DOI: 10.22034/jaco.2025.490648.1433

URL: https://www.jaco-sj.com/article_216203.html

